

شناخت‌های فرزندپروری در فرهنگ‌های مختلف تا حدی متفاوت است. یکی از اجزای مهم این شناخت‌ها، ارزش‌های فرزندپروری است. هدف این پژوهش بررسی ارزش‌های فرزندپروری مادران کودکان ۳ تا ۵ ساله است.

پژوهش حاضر، مطالعه‌ای کیفی از نوع پدیدارشناسی است. این پژوهش با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته و نمونه‌گیری هدفمند انجام گرفته است. ۱۵ مادر دارای کودک ۳ تا ۵ ساله ساکن در شهر تهران، دیدگاه‌های خود را پیرامون ارزش‌های فرزندپروری به بحث گذاشتند. مکالمات ضبط و سپس با استفاده از روش کلایزی مورد تحلیل قرار گرفت. طی این پژوهش، پنج مضمون اصلی که هرکدام حاوی مضامین فرعی متعددی می‌باشند استخراج شد. مضامین اصلی عبارت‌اند از: در نظر دیگران مقبول بودن، داشتن ارزش‌های انسانی، جایگاه خاص برای والدین قائل بودن، داشتن گرایش‌های مذهبی و به ارزش‌های فرهنگی باور داشتن.

در زمینه علت اهمیت ارزش‌های بیان‌شده، پاسخ‌های مادران حول دو محور «تنها نماندن» و «آرامش در زندگی» بود. به نظر می‌رسد مادران اعتقاد دارند اگر فرزندان‌شان دارای ارزش‌های مورد نظر باشند، در زندگی‌شان آرامش را تجربه کرده و تنها نخواهند ماند. ■ واژگان کلیدی:

فرزندپروری، ارزش، مادر، خانواده ایرانی

# ارزش‌های فرزندپروری مادران کودکان ۳ تا ۵ ساله

## مطالعه‌ای پدیدارشناسانه

### محمدعلی مظاهری

استاد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی،

تهران، ایران

Mazaheri45@gmail.com

### فریبا حسینی

استادیار گروه روان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران

hassai.fariba@yahoo.com

### مریم حلی‌ساز

دانشجوی دکتری روان‌شناسی

گروه روان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

maryamholisaz@gmail.com

### لیلی پناغی

دانشیار پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی،

تهران، ایران

lpanaghi@yahoo.com

## مقدمه

بسیاری از پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه فرزندپروری، بر جنبه‌های رفتاری فرزندپروری مانند ارتباط بین رفتارهای تعاملی مادر و رشد کودک تمرکز دارند (پارک و ون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹: ۵۸-۵۹)، اما محققان زیادی بر این باورند که جنبه‌های شناختی فرزندپروری همانند جنبه‌های رفتاری آن، حائز اهمیت بوده (بورنستین و کوت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶: ۱۷۴-۱۷۳) و باید مورد بررسی قرار گیرند. زیرا شناخت‌ها، در تعیین راهکارها و رفتارهای پرورش فرزند نقش داشته و رشد فرزند را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (سیگل و مک گیلیکادی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲: ۴۹۰-۴۸۵) ارزش‌های فرزندپروری یکی از مهم‌ترین انواع شناخت‌های پرورش فرزند است (بورنستین و چیه<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶: ۱۸) و به‌عنوان مطلوب‌ترین ویژگی‌هایی که والدین می‌خواهند در فرزندان‌شان پرورش دهند تعریف می‌گردد. (کهن<sup>۵</sup>، ۱۹۷۷: ۲۰-۱۸)

مقایسه‌های میان فرهنگی نشان می‌دهد که تمامی جنبه‌های فرزندپروری اعم از شناخت‌ها و رفتارها، تا حد زیادی تحت تأثیر فرهنگ بوده (بورنستین و چیه، ۲۰۰۶: ۱۹) و ارزش‌های فرزندپروری نیز به‌عنوان جنبه مهمی از شناخت‌های پرورش فرزند، در فرهنگ‌های گوناگون تا حدی متفاوت است. (تالویست و آتونن<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷: ۱۳۸-۱۳۷ و هارکنس و ساپر<sup>۷</sup>، ۲۰۰۶: ۷۵-۷۰) در نتیجه نمی‌توان ارزش‌های فرزندپروری را جدا از بافت فرهنگی یا اجتماعی که فرد در آن زیسته است در نظر گرفت. (راماکرز و سویسا<sup>۸</sup>، ۲۰۱۲: ۲۹) نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در جوامع فرهنگی گوناگون نیز نشان می‌دهد که ارزش‌های مورد نظر مادران برای انتقال به فرزندان، در میان فرهنگ‌های مختلف شباهت و تفاوت‌هایی دارد. برای نمونه برخی از بررسی‌های انجام‌شده پیرامون ویژگی‌های مطلوب فرزندان از نگاه والدین نشان می‌دهد که از نظر والدین کره‌ای<sup>۹</sup>، داشتن فرزندان

1. Park & Kwon
2. Bornstein & Cote
3. Sigel & McGillicuddy-De
4. Cheah
5. Kohn
6. Tulviste & Ahtonen
7. Harkness & Super
8. Ramaekers & Suissa
9. Korean

خودمختار<sup>۱</sup>، خوش‌رو<sup>۲</sup>، صادق<sup>۳</sup>، متعادل<sup>۴</sup>، ملاحظه‌کار<sup>۵</sup> و مؤدب از اهمیت بالایی برخوردار است. (پارک و ون، ۲۰۰۹) از منظر مادران ژاپنی<sup>۶</sup>، مهربانی<sup>۷</sup>، همدلی<sup>۸</sup>، حساسیت<sup>۹</sup>، ادب، عدم آزار دیگران<sup>۱۰</sup> و ملاحظه‌کار بودن ویژگی‌های مطلوب فرزند محسوب می‌گردد. (هالووی و ناگیس<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۴: ۶۹-۶۵) از نظر مادران اهل مغولستان<sup>۱۲</sup>، هم‌نوایی با مراتب قدرت اجتماعی<sup>۱۳</sup> و تلاش در جهت دستیابی به دانش و رشد شخصی<sup>۱۴</sup> از اهمیت زیادی برخوردار است (گرف<sup>۱۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۴) و والدین هندی<sup>۱۶</sup>، بر پیوند خانوادگی<sup>۱۷</sup>، به هم‌وابستگی<sup>۱۸</sup>، وفاداری نسبت به خانواده<sup>۱۹</sup>، اطاعت<sup>۲۰</sup>، باورهای مذهبی<sup>۲۱</sup> و پیشرفت تحصیلی و شغلی به‌عنوان ویژگی‌های مطلوب تأکید دارند. (ایزاک<sup>۲۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۴: ۴۱) با تأمل بر بررسی‌های انجام‌شده می‌توان عنوان نمود که در کنار تشابهات موجود در زمینه ارزش‌های فرزند‌پروری در جوامع فرهنگی گوناگون، تفاوت‌های قابل توجهی نیز وجود دارد. در نتیجه لازم است برای شناخت ارزش‌های فرزند‌پروری هر جامعه، آن را در بافت فرهنگی جامعه مورد نظر بررسی نمود.

در زمینه فرزند‌پروری، پژوهش‌های متعددی انجام شده است، اما این پژوهش‌ها با استفاده از ابزارها و پرسشنامه‌هایی انجام گرفته که در فرهنگ‌هایی غیر از ایران ساخته شده است. برای نمونه می‌توان به پژوهش دبیری و همکاران (۱۳۹۱)، با عنوان تدوین

1. Autonomous
2. Cheerful
3. Honest
4. Balanced
5. Conservative
6. Japanese
7. Kindness
8. Empathy
9. Sensitivity
10. Avoid Bothering Others
11. Holloway & Nagase
12. Mongolian
13. Conoform to Social Order
14. Personal Knowledge and Development
15. Graf
16. Indian
17. Familial Bond
18. Interdependence
19. Ioyalty to the Family
20. Obedience
21. Religious Beliefs
22. Isaac

مدل روابط سبک‌های فرزندپروری، شخصیت، عزت نفس و شادکامی؛ بشارت و همکاران (۱۳۹۰)، با عنوان رابطه سبک‌های فرزندپروری در والدین با کمال‌گرایی فرزندان در نمونه‌ای از خانواده‌های ایرانی؛ امیری‌نژاد و همکاران (۱۳۹۰)، با عنوان مقایسه سبک‌های فرزندپروری در سلامت روان والدین افراد اقدام‌کننده به خودکشی و والدین افراد عادی اشاره نمود؛ که در تمامی این مطالعات از پرسشنامه اقتدار والدین بوری<sup>۱</sup> استفاده شده است. همان‌طور که اشاره شد، در ایران عمده بررسی‌های انجام‌گرفته در حیطه فرزندپروری، با استفاده از ابزارهایی انجام شده که مبتنی بر فرهنگ ایران نبوده و عمدتاً در کشورهای غربی ساخته شده است که اغلب به پاسخ‌دهندگان لیستی از پیش تعیین‌شده جهت پاسخگویی ارائه می‌شود. اما این شیوه نیز با نقاط ضعفی همراه است، برای نمونه حتی اگر لیست از پیش تعیین‌شده، در آن فرهنگ معتبر هم باشد، با این حال، فرهنگ مورد بررسی در نظر گرفته نشده و یا کاملاً بررسی نشده است و مادران از فرهنگ‌های متفاوت، ممکن است که تفسیر متفاوتی از هر یک از مواد لیست داشته باشند.

به‌استناد بررسی‌های انجام‌شده، شناخت‌های فرزندپروری والدین شامل ارزش‌هایی که والدین در صدد پرورش آن در فرزندشان هستند، مبتنی بر فرهنگ بوده (تالویست و آتونن، ۲۰۰۷: ۱۳۷)، احتمالاً با رفتارهای والدین نسبت به فرزندشان و به‌نوبه خود با رشد کودک در ارتباط بوده (بورنستین و چیه، ۲۰۰۶: ۲۳) و شیوه‌های فرزندپروری ایشان را نیز می‌سازد. (بورنستین و کوت، ۲۰۰۶: ۱۷۴) در نتیجه می‌توان ادعان نمود که شناخت‌ها و در نتیجه رفتارهای فرزندپروری والدین تا حدی در میان جوامع مختلف فرهنگی تفاوت دارند. علی‌رغم اهمیت بررسی ارزش‌های فرزندپروری و تأثیر آن در نوع رفتاری که والدین با فرزندان خود دارند، پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه در جامعه ایران حاکی از آن است که ظاهراً تاکنون پژوهش مدونی در باب بررسی ارزش‌های فرزندپروری والدین ایرانی نیز صورت نگرفته است و در حوزه فرزندپروری در ایران، سؤالات مهمی هنوز باقی است که پاسخی برایشان ارائه نشده است. سؤالاتی با این مضمون که والدین در تربیت فرزند خود به‌دنبال چه ویژگی‌های مطلوب یا مثبتی هستند. بدون شک با یافتن پاسخ مناسب برای این سؤالات می‌توان ماهیت فرزندپروری را بهتر شناخته و با درک بهتر و عمیق‌تر فرزندپروری در بافت فرهنگی ایران، درمانگران را برای خدمت‌رسانی بهتر یاری کرد.

نتایج برخی از پژوهش‌های انجام‌شده در مورد ارزش‌های فرزند‌پروری، نشان می‌دهد ارزش‌هایی که والدین برای انتقال به فرزندان‌شان در نظر دارند، تا حدی بر حسب سن کودک تغییر می‌کند. برای نمونه تاج<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۲ به بررسی ارزش‌های فرزند‌پروری در سه مقطع سنی ۳، ۳۶ و ۷۲ ماهگی در برزیل پرداختند. نتایج بررسی ایشان نشان داد که ارزش‌های فرزند‌پروری والدین در طی رشد کودک تا حدودی تغییر می‌کند. برای نمونه والدین بر خودمختاری فرزند در سن ۳ و ۷۲ ماهگی بیشتر از سن ۳۶ ماهگی تأکید دارند. همچنین بر طبق نتایج این پژوهش، تأکید والدین بر هم‌نواپی فرزندان در سن ۳۶ ماهگی بیشتر از سن ۳ و ۷۲ ماهگی است. هم‌سو با یافته‌های این پژوهش، نتایج پژوهش تالویست و همکاران، ۲۰۱۳ در استونی نیز نشان می‌دهد ارزش‌هایی که والدین در نظر دارند به فرزندان خود منتقل نمایند در سنین مختلف تا حدی با یکدیگر تفاوت دارد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد مادرانی که فرزندان در اواسط دوران کودکی دارند برای رفتار مناسب، احترام به دیگران، استقلال و قابل اعتماد بودن<sup>۲</sup> بیشتر از مادرانی که فرزندان نوجوان داشتند اهمیت قائل بودند.

۱۲۵

با توجه به این نکته که احتمال دارد سن فرزند بر ارزش‌های فرزند‌پروری مادر اثر بگذارد، محققان در این پژوهش به بررسی ارزش‌های فرزند‌پروری مادرانی پرداخته‌اند که همگی فرزندان در یک مقطع سنی دارند. بدین منظور مادرانی با فرزندان ۳ تا ۵ ساله برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند. زیرا سال‌های پیش از دبستان یعنی ۳ تا ۵ سالگی یکی از مهم‌ترین دوره‌های رشد از نظر روان‌شناسان کودک است و سرآغاز درونی کردن معیارهای والدین از جانب فرزندان به‌شمار می‌آید. (شرودر و گوردون، ۱۳۹۳: ۳۰) به‌علاوه در اغلب فرهنگ‌ها در سراسر دنیا، فرایند اجتماعی‌سازی کودکان از اواخر سال دوم زندگی آغاز می‌گردد و کودک از طریق تأیید یا عدم تأیید والدین و دیگران درباره معیارهای خانواده و جامعه در ارتباط با رفتار مطلوب و نامطلوب می‌آموزد. (ادواردز و لی‌یو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲: ۵۵-۵۶) همچنین بسیاری از قابلیت‌های کودک مانند خودآگاهی، استقلال، پیچیده‌تر شدن مهارت‌های شناختی و بازی‌های اجتماعی در همین دوران پیریزی می‌شود که این قابلیت‌ها زمینه‌ساز تعاملات جدید و غالباً فشرده کودک و محیط می‌گردد. (شرودر و گوردون، ۱۳۹۳: ۳۶)

1. Tudge
2. Trustworthy
3. Edwards & Liu

هرچند در فرایند رشد و پرورش فرزند، هر دو والد نقش دارند، اما در بسیاری از جوامع، مادر نقش نسبتاً بیشتری نسبت به پدر در رشد فرزند (روبین و چانگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶: ۱۶) و مراقبت از وی دارد. (حسین<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴: ۷۷) به علاوه در بسیاری از کشورها معمولاً مادر، مدت زمان بیشتری را نسبت به پدر در ارتباط مستقیم با فرزند سپری می نماید (پیرک<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۰۷-۱۰۳)، برای نمونه در هند (ایزاک و همکاران، ۲۰۱۴: ۴۰)، ویتنام (مستکینا<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۴: ۵۱)، مالزی (حسین، ۲۰۱۴: ۷۷)، پاکستان (معظم زمان<sup>۵</sup>، ۲۰۱۴: ۹۴-۹۳)، اردن (تاکاش و ال - حسن<sup>۶</sup>، ۲۰۱۴: ۲۰۹) و ژاپن (هالووی و همکاران، ۲۰۱۴: ۶۱-۵۹)، مادر نقش اصلی را در تربیت و مراقبت از کودک برعهده دارد. در ایران نیز مانند بسیاری از کشورها، روابط کودک با والدینش تا حد زیادی با مادر است. (پیرمرادی، ۱۳۸۳: ۱۶۲)

از آنجا که سنین ۳ تا ۵ سال به علت افزایش توانمندی های کودک و نیز آغاز فرایند یادگیری معیارهای اجتماعی در زمینه مطلوب و نامطلوب یکی از مهم ترین دوران های رشد در کودکان است و با توجه به اینکه احتمال دارد ارزش های فرزندپروری والدین تحت تأثیر سن فرزند قرار گیرد و از آنجا که نقش مادر نسبت به پدر در ارتباط با فرزند، تا حدی پررنگ تر است، در نتیجه در این پژوهش به بررسی ارزش های فرزندپروری که مانند سنگ زیربنای فرزندپروری است از منظر مادران دارای فرزند ۳ تا ۵ ساله پرداخته خواهد شد. در همین راستا، پرسش اساسی پژوهش این است که ارزش های فرزندپروری کودکان ۳ تا ۵ ساله از دیدگاه مادران کدام است؟

## روش

این تحقیق مطالعه ای کیفی و از نوع پدیدارشناسی<sup>۷</sup> است. در مطالعه پدیدارشناسی به کشف معنی یک پدیده یا مفهوم، از دیدگاه افراد متعددی که آن مفهوم یا پدیده را تجربه کرده اند پرداخته می شود. (کرسول<sup>۸</sup>، ۲۰۰۷: ۵۷) در واقع پدیدارشناسی فرایند یادگیری

1. Rubin & Chung
2. Hossain
3. Parke
4. Mestechkina
5. Moazam Zaman
6. Takash & AlHassan
7. Phenomenological
8. Creswell

و ایجاد معنی برای تجربه است، از طریق گفتگو با افرادی که آن تجربه را داشته‌اند. (اسکویی و پیروی، ۱۳۸۴: ۶۳) در این رویکرد، پدیدارشناس اطلاعات را از افرادی که آن پدیده خاص را تجربه کرده‌اند جمع‌آوری کرده و به توصیفی مرکب در مورد جوهره تجربه از دید تمامی افرادی که تجربه‌شان را توصیف نموده‌اند می‌رسد. به‌نوعی پدیدارشناس بر وجه مشترک تجارب افراد در مورد آن پدیده خاص تمرکز دارد. می‌توان عنوان نمود که هدف اصلی پدیدارشناسی، کاهش تجارب افراد متعدد در مورد پدیده مورد بررسی به‌سمت یک توصیف بنیادی اساسی در مورد آن پدیده است. (کرسول، ۲۰۰۷: ۵۸)

### جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه تحقیق، تمام مادران کودکان ۳ تا ۵ ساله مراجعه‌کننده به مهدکودک‌ها، خانه‌های سلامت و زمین‌های بازی چند منطقه از شهر تهران می‌باشد. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. فرایند نمونه‌گیری به این شیوه بود که ابتدا از طریق نصب اعلامیه در مراکز عمومی شهر تهران مانند مهدکودک‌ها، خانه‌های سلامت و زمین‌های بازی کودک، از مادرانی که واجد شرایط بودند برای شرکت در پژوهش دعوت به‌عمل آمد. ملاک‌های ورود به این پژوهش داشتن حداقل یک فرزند در فاصله سنی ۳ تا ۵ سال و تکلم کودک به زبان فارسی به‌عنوان زبان اول وی و ملاک‌های خروج از پژوهش، شامل طلاق والدین از یکدیگر و اختلال روانی یا جسمانی کودک بود. ملاک‌های خروج از پژوهش به این دلیل انتخاب شد که نتایج پژوهش‌های متعدد در باب فرزندپروری، نشان می‌دهد که رضایت زناشویی والدین (فینچام و هال<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹: ۲۱۲-۲۰۸)، طلاق ایشان (هترینگتون و استنلی - هاگان<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲: ۲۹۳-۲۹۱) و همچنین ویژگی‌های کودک مانند ناتوانی‌های رشدی و اختلالات روانی، فرزندپروری والدین را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (کاراکر و کولمن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹: ۱۵۶-۱۵۴) به‌طور کلی، مادران از طبقه متوسط جامعه انتخاب شده، ۹ نفر خانه‌دار و ۶ نفر شاغل بودند. سن مادران نیز بین ۲۶ تا ۳۶ سال بود. همچنین ۶ نفر از مادران دارای مدرک دیپلم، ۱ نفر دارای فوق‌دیپلم و ۸ نفر دارای مدرک کارشناسی بودند.

1. Fincham & Hall
2. Hetherington & Stanley-Hagan
3. Karraker & Coleman

## شیوه اجرا

قبل از اجرای مصاحبه، برای هر فرد مصاحبه‌شونده توضیح مختصری درباره پژوهش توسط پژوهشگران ارائه شده و سپس فرم رضایت از شرکت در پژوهش شامل محرمانه بودن اطلاعات، اجازه ضبط صدا و استفاده از گفته‌های مادران برای اهداف پژوهشی امضا شد. برای جمع‌آوری اطلاعات، از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد که هر مصاحبه حدود ۶۰ تا ۷۵ دقیقه به طول انجامید. کلیه مکالمات بر روی نوار ضبط شده و پس از گوش دادن دقیق به آنها، به صورت کتبی در آمدند. مصاحبه با شرکت‌کنندگان در تحقیق تا جایی ادامه یافت که اشباع صورت گرفت. یعنی زمانی که اطلاعات جدیدی از سوی شرکت‌کنندگان ارائه نشد و مطالب تکراری بود که در نهایت، ۱۵ مادر مورد مصاحبه قرار گرفتند.

۱۲۸

سؤال اصلی مصاحبه عبارت بود از اینکه ارزش‌های فرزندپروری از نظر شما چه می‌باشد و علت اهمیت این ارزش‌ها برای شما کدام است. برای پیگیری و عمیق‌تر شدن، سؤالات پیگیری دیگری نیز پرسیده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کلایزی<sup>۱</sup> استفاده شد. به این ترتیب که پس از انجام مصاحبه‌ها، اطلاعات ضبط‌شده بر روی کاغذ نوشته شد. برای درک عقاید شرکت‌کنندگان و کسب فهم عمیق‌تری از تجارب آنان، همه مطالب به دقت خوانده شده و عبارات مهم حاوی مفاهیم غنی در مورد ارزش‌های فرزندپروری مادران، استخراج گردید. در مرحله بعد معنای هر عبارت مهم استخراج شد. در ادامه کار، معانی فرموله شده در خوشه‌های مضمون‌ها سازماندهی گشته و سپس یک توصیف جامع و کامل تهیه شد. (کرسول، ۲۰۰۷: ۱۵۹) برای اعتبارسنجی اطلاعات به دست آمده از مصاحبه‌ها، توصیف‌ها به ۶ نفر از شرکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها ارائه گشت و موثق بودن نتایج به دست آمده به تأیید آنان رسید.

## یافته‌ها

از مصاحبه‌های انجام‌شده با ۱۵ مادر، ۲۵ معنا اتخاذ شده است که در ۵ مضمون اصلی دسته‌بندی شده است. در جدول ۱ معانی استخراج‌شده از صحبت‌های مادران و مضامین اصلی، ارائه گشته است.



**جدول ۱: ۲۵ معنای استخراج شده  
از صحبت‌های مادران و ۵ مضمون اصلی**

<p><b>در نظر دیگران مقبول بودن</b>                  مهربان                  همدل                  محبوب                  گرم و اجتماعی                  داشتن توان مذاکره                  سازش با همسالان                  مودب و احترام‌گذار                  خوش صحبت و خوش برخورد                  ملاحظه‌کار</p>
<p><b>داشتن ارزش‌های انسانی</b>                  صبوری                  بخشش و گذشت نسبت به دیگران                  صداقت                  عدم خودخواهی                  قناعت                  عدم اهمیت به ظاهر و مادیات                  دست و دل بازی                  عدالت</p>
<p><b>جایگاه خاص برای والدین قائل بودن</b>                  احترام به والدین                  حرف‌شنوی و فرمان‌برداری از والدین                  علاقه و ارزش برای والدین قائل بودن                  شباهت به والدین                  درک والدین</p>
<p><b>داشتن گرایش‌های مذهبی</b>                  ایمان به خدا                  انجام فرائض و رفتارهای مذهبی</p>
<p><b>قائل به ارزش‌های فرهنگی بودن</b>                  احترام به بزرگ‌ترها و افراد مسن</p>

**مضمون ۱: در نظر دیگران مقبول بودن.** به معنی تربیت فرزندی که از سوی دیگران و اجتماع پذیرفته و تأیید شود. این مضمون شامل زیرمضمون‌های مهربان، همدل، محبوب، گرم و اجتماعی، مؤدب و احترام‌گذار، خوش صحبت و خوش برخورد، سازگار با همسالان، ملاحظه‌کار و توان مذاکره داشتن است.

۱.۱: **مهربان.** با دیگران رفتاری مهربانانه داشتن. به دیگران علاقه داشتن، محبت نمودن و خوش قلب بودن. نمونه زیر از گفته‌های یکی از مادران در این زمینه است.  
«دوست دارم پسر من به آدم مهربونی باشه که همه آدم‌ها را دوست داره». (مادر پسر ۴ سال و ۳ ماهه)

۱.۲: **همدل.** نسبت به احساسات دیگران حساس بودن. بی تفاوت نبودن به شرایطی که دیگران تجربه می‌کنند. در ادامه نمونه‌ای از اظهارات مشارکت‌کنندگان در این زمینه آمده است. «دوست دارم با خوشی بقیه خوش و با ناراحتی دیگران، ناراحت باشه». (مادر پسر ۴ سال و ۳ ماهه)

۱.۳: **محبوب.** دوست‌داشتنی و مورد علاقه دیگران بودن. یکی از مادران در این زمینه اذعان داشت: «دوست دارم یک شخصیت مثبتی داشته باشه که همه دوستش داشته باشن». (مادر پسر ۴ سال و ۳ ماهه)

۱.۴: **گرم و اجتماعی.** با افراد خارج از دایره خانواده خود تعامل و ارتباط برقرار کردن. با افراد جدید آشنا شدن. یکی از مادران در این مورد گفت: «برام مهمه که پسر من یکی را می‌بینه سلام کنه و با بقیه خوب ارتباط برقرار کنه مخصوصاً با بزرگ‌ترها...» «چیزی که خیلی برام مهمه ارتباط و رابطه اجتماعی‌اش با دیگرانه که دوست دارم تعامل اجتماعی‌اش خیلی بالا باشه...». (مادر پسر ۳ سال و ۱۱ ماهه)

۱.۵: **داشتن توان مذاکره.** بتوان با او در مورد مسائل مهم یا مواردی که مورد اختلاف است گفتگو کرد. مادری در این رابطه چنین اظهار نمود که «بچه‌ای که به نظر من می‌شه باهش حرف زد و حاضره که بهت گوش کنه و درک می‌کنه، به نظر من یه بچه ایده‌آله». (مادر دختری ۳ سال و ۱۱ ماهه)

۱.۶: **سازش با همسالان.** با همسالان روابط مسالمت‌آمیز داشتن، پرخاشگری و زد و خورد نکردن. مادری در این مورد گفت «بعضی بچه‌ها حالت ناسازگاری دارن توی روابطشون با بچه‌های هم‌سن خودشون و من دوست ندارم پسر من اینجوری باشه. مثلاً بعضی بچه‌ها نمی‌تونن با همدیگه خوب بازی کنن، این بچه‌هایی که همدیگه رو می‌زنند». (مادر پسر ۳ سال و ۱۱ ماهه)

۱.۷: **مؤدب و احترام‌گذار.** نسبت به دیگران مؤدب بودن. با دیگران به گونه‌ای رفتار کند که دوست دارد با او رفتار شود. گفته‌های برخی از مادران حاکی از ضرورت ادب و احترام نسبت به دیگران است. «به نظر من فقط باید اینو یاد بگیره که به دیگران احترام بذاره». (مادر

دختری ۳ سال و ۴ ماهه) «دوست دارم خیلی مؤدب باشه». (مادر پسری ۴ سال و ۹ ماهه)  
 ۱.۸: خوش صحبت و خوش‌برخورد. هنگام صحبت کردن، الفاظ زیبا و خوشایند به کار بردن. مادری در این مورد اظهار داشت «مهمان میاد در رو باز کنه، بگه سلام خوبی؟ خیلی خوش آمدید. این کارا رو انجام میده خدارو شکر، مثلاً تلفن زنگ میزنه، گوشه خدمتتون با مامانم حرف بزنید، مثلاً این نکاتیه که من دوس دارم و اونم داره». (مادر پسری ۴ سال و ۹ ماهه)

۱.۹: ملاحظه‌کار. به معنی اینکه با رفتارش دیگران موجب آزار دیگران نشود. مادری در این مورد اظهار داشت: «اذیت نکنه، دیگران رو آزار نده». (مادر پسری ۴ سال و ۳ ماهه)

مضمون ۲: داشتن ارزش‌های انسانی. به معنی داشتن ویژگی‌ها و صفات اخلاقی و انسانی است. این مضمون شامل زیرمضمون‌های صبوری، گذشت و بخشش، صداقت، خودخواه نبودن، قناعت داشتن، عدم اهمیت به ظاهر و مادیات، عادل بودن و دست و دل بازی است.  
 ۲.۱: صبوری. توان تحمل شرایط، به تعویق انداختن خواسته‌ها، عجل نبودن. در همین زمینه یکی از مادران چنین بیان نمود که «دوست دارم آدم صبوری باشه و با صبوری مشکلات رو حل کنه». (مادر پسری ۴ سال و ۳ ماهه)

۲.۲: گذشت و بخشش نسبت به دیگران. توان بخشودن دیگران و گذشت از خطاهای دیگران را داشتن. در ادامه نمونه‌ای از اظهارات مادری در این زمینه آمده است «دوست دارم خیلی مهربان باشه، راحت ببخشه، کینه از کسی به دل نگیره». (مادر پسری ۴ سال و ۹ ماهه)

۲.۳: صداقت. قابل اعتماد بودن. دروغ نگفتن. مسئولیت اشتباهات خود را به عهده گرفتن. مادری در این زمینه گفت: «دروغ نگوید. من دروغ‌گویی را اصلاً نمی‌پسندم. دروغ‌گویی در همه جای دنیا بده». (مادر دختری ۳ سال و ۴ ماهه)

۲.۴: عدم خودخواهی. خواسته‌های دیگران را نیز مد نظر قرار دادن. خواسته‌های خود را همیشه در اولویت نگذاشتن. موارد زیر مربوط به عدم خودخواهی است. «دوست ندارم خودخواه باشه چون خودخواهی به دیگرانم ضربه می‌زنه، اگر بچه خودخواه باشه و بعد ازدواج بکنه تشکیل خانواده بده و توی رابطه با دوستانش باشه، وقتی خودخواهی می‌کنه شاید تنها بمونه. یعنی دیگران از خودخواهی‌اش آسیب ببینن و ولش کنن و اون رو تنها بذارن و بعد ضربه‌های روحی بخوره از تنها بودنش». (مادر دختری ۵ سال و ۱۰ ماهه)

**۲.۵: قناعت.** در زندگی کم توقع بودن، از نظر مالی قانع بودن و بسنده کردن به داشته‌ها. مادری در این مورد گفت «همیشه سعی کردم چیزهایی که دارم رو به همون قانع باشم. دنبال چیزهای زیاد خیلی بودم و می خواستم به دست بیارم ولی خودم به دست بیارم... دوست دارم شبیه خودم بشه... می خوام مثل خودمون باشه. با همون چیزایی که داره بتونه زندگی کنه». (مادر دختری ۳ سال و ۱۰ ماهه)

**۲.۶: عدم اهمیت به ظاهر و مادیات.** عدم قضاوت دیگران بر حسب ظاهر و دارایی هاشان. برای مسائل مادی و ظواهر اهمیت زیاد قائل نشدن. مورد زیر مؤید ظاهر بین نبودن است. «من همیشه بهش یاد می دم که اگر مثلاً فلانی چه می دونم چهره زیبایی نداره اگر فلانی قدش کوتاست اگر فلانی مثلاً این مدلیه یا اون مدلیه هیچ کدوم از اینا دلیل بر این نیست که آن آدم، آدم خوبی باشه یا آدم بدی باشه. دلم می خواد اینو یاد بگیره که مثلاً این ظاهرش براش مهم نباشه در نتیجه یا چه می دونم صرفاً پولش براش مهم نباشه. پولدار بودن یک آدم دلیل بر خوب مثلاً چه می دونم اوکی بودن اون آدم از هر جهتی نیست». (مادر دختری ۳ سال و ۹ ماهه)

**۲.۷: دست و دل بازی.** توان گذشتن از داشته‌ها را داشتن. خسیس نبودن. در ادامه نمونه‌ای از اظهارات یکی از مادران در این زمینه آمده است. «توان بخشیدن از مالش به دیگران را داشته باشد، بتواند انفاق کند و به مردم ببخشد». (مادر دختری ۵ سال و ۱۰ ماهه)

**۲.۸: عدالت.** در زندگی به کسی ظلم نکردن. رفتار و تصمیم‌گیری عادلانه داشتن. اظهارات زیر مؤید عدالت داشتن است. «دوست دارم دختر عادل باشه. خیلی برام مهمه. عدالت هم منظورم اینه که در واقع اگر قراره که حق رو به کسی بده که واقعاً حقشه، تو هر موردی تو مجادله و بحث یا توی مسائلی که تو زندگی پیش میاد عادلانه تصمیم بگیره و راجع به آدما قضاوت بکنه». (مادر دختری ۵ ساله)

**۳: جایگاه خاص برای والدین قائل بودن.** رفتار و احساسی متفاوت از دیگران، نسبت به والدین داشتن، به گونه‌ای که حاکی از جایگاه خاص برای والدین باشد. این مضمون شامل زیرمضمون‌های احترام به والدین، حرف‌شنوی و فرمان‌برداری از آنها، علاقمند به ایشان، شباهت به والدین و درک آنها است.

**۳.۱: احترام به والدین.** رفتار و گفتار محترمانه نسبت به والدین داشتن. در ادامه

نمونه‌ای از اظهارات مادران در این زمینه آمده است. «چیزی که دوست دارم به‌عنوان ارزش به اون منتقل کنم، یکی همون احترام گذاشتن به پدر و مادر هست». (مادر دختری ۴ سال و ۵ ماهه)

۳.۲: حرف‌شنوی و فرمان‌برداری از والدین. به حرف والدین گوش کردن. آنچه والدین می‌گویند را انجام دادن. مادری در این رابطه چنین اظهار نمود که «احساس می‌کنم بچه‌هایی که حرف‌شنوی دارند بچه‌هایی هستند که خوب تربیت شدن اون‌هایی که حرف‌شنوی ندارند، لجبازی می‌کنند یا به هر نحوی برخورد شدید می‌کنند با خانواده‌شون احساس می‌کنم خوب تربیت نشدند». (مادر پسری ۴ سال و ۳ ماهه)

۳.۳: علاقه و ارزش برای والدین قائل بودن. با پدر و مادر پیوند عاطفی عمیق داشتن. همیشه با والدین ارتباط خود را حفظ کردن. اظهارات مادران بیانگر حساسیت موضوع است. «عاشق مادرش باشد، خانواده دوست باشد، مادرش را بعد از ازدواج فراموش نکند». (مادر پسری ۴ سال و ۹ ماهه)

۳.۴: شباهت به والدین. از برخی جنبه‌ها مانند رفتار، روابط اجتماعی یا اعتقادی شبیه والدین بودن. گفته یکی از مادران حاکی از اهمیت شباهت داشتن به والدین است. «مثل دوره ما باشد. مثل ما باشد از نظر اعتقادی مثل من و پدرش باشد... از نظر بخشش مثل خودم باشد. مثل دوره خودمان باشد نه مثل این دوره‌ای‌ها. مهربان، خانواده‌دوست، عاشق مادرش باشد... در همون حدی که ما خدا را قبول داریم، در همون حدی که ما به یگانگی خدا اعتقاد داریم، اون هم ایمان داشته باشد». (مادر پسری ۴ سال و ۹ ماهه)

۳.۵: درک والدین. شرایط والدین را درک کردن. نمونه زیر از گفته‌های یکی از مادران است. «این برام توی رفتارهای روزمره‌اش خیلی مهمه که درکم کنه. بفهمه به موقع‌هایی واقعاً به کاری اگه نمی‌کنم، نمی‌تونم که بکنم». (مادر دختری ۳ سال و ۱۱ ماهه)

مضمون ۴: داشتن گرایش‌های مذهبی. اعتقاد، گرایش و رفتار مذهبی و معنوی داشتن. این مضمون شامل زیرمضمون‌های ایمان داشتن و انجام فرائض و رفتارهای مذهبی است.

۴.۱: ایمان به خدا. گرایش‌های معنوی و ایمان قلبی به خدا داشتن. مادران در این زمینه به موارد زیر اشاره نمودند. «یک آدمی باشه که خدا را خیلی دوست داره. اعتقادات مذهبی ندارم‌ها ولی تو زمینه‌ای که خدا را بشناسه و همیشه شکرگزار خدا باشه». (مادر پسری ۳ سال و ۱۱ ماهه)

۴.۲: **انجام فرائض و رفتارهای مذهبی.** فرائض مذهبی مانند نماز خواندن و دعا نمودن را به‌جا آوردن. مادری در این زمینه اظهار نمود: «خیلی دوست دارم نماز بخونه. واقعاً دوست دارم چادر بپوشه». (مادر دختری ۳ سال و ۱۰ ماهه)

۵: **مضمون ۵: قائل به ارزش‌های فرهنگی بودن.** اهمیت دادن به ارزش‌هایی که در فرهنگ ایرانی مورد تأکید است و تلاش در جهت حفظ آن ارزش‌ها از طریق رعایت کردن آن. این مضمون شامل زیرمضمون احترام به بزرگ‌تر است.

۵.۱: **احترام به بزرگ‌ترها و افراد مسن.** به افراد مسن و به بزرگ‌ترها احترام گذاشتن. یکی از مادران در این زمینه اذعان داشت «فکر می‌کنم چیزایی که واسه خودمون ارزشه تو خانوادمون، تو فرهنگمون دوست دارم آنها را یاد بگیره. همین احترام گذاشتن‌اش به بزرگ‌ترها مادر بزرگ، پدر بزرگ، دایی، خاله، عمه، بزرگ‌ترها و برخوردش با آنها». (مادر پسری ۳ سال و ۱۱ ماهه)

تاکنون مضامین اصلی و معانی مرتبط با هر یک، بررسی شد. اما در این پژوهش فرایند استدلال کردن مادران هنگام پرسش در مورد علت اهمیت ارزش‌های فرزندپروری‌شان، حائز اهمیت بود. وقتی در جریان مصاحبه از مادران درباره علت اهمیت ارزش‌های بیان شده توسط آنها سؤال می‌شد، پاسخ‌های آنها حول دو محور «تنها نماندن» و «آرامش در زندگی» دور می‌زد. به این معنی که به‌نظر می‌رسد مادران معتقدند اگر فرزندان‌شان دارای ارزش‌های مورد نظر باشند می‌توانند در زندگی‌شان آرامش را تجربه کنند و تنها نمانند.

تنها نماندن. تحلیل داده‌های به‌دست آمده از مصاحبه‌ها نشان از تأکید مادران بر عدم طرد شدن و تنها ماندن فرزندان‌شان دارد. به‌نظر می‌رسد یکی از مسائل مهم نزد مادران تنها نماندن فرزند در آینده است، در نتیجه سعی می‌کنند فرزندشان ویژگی‌هایی را داشته باشد که بتواند روابط اجتماعی پایداری برقرار کند و به‌علاوه ویژگی‌هایی را که باعث پراکنده شدن افراد از اطراف او می‌گردد نداشته باشد. می‌توان عنوان نمود مضامین ذکرشده، به عدم طرد از سوی دیگران و تنها نماندن منجر خواهد شد. در نتیجه علت اهمیت بسیاری از ارزش‌هایی که مادران در مصاحبه عنوان نمودند، کارکرد آن ارزش‌ها به‌شکل جلوگیری از تنهایی فرد در جامعه است. در همین زمینه یکی از مادران چنین بیان نمود که «دوست دارم با بقیه همکاری کنه و مشارکت داشته باشه چون احساسم اینه که ما موجودات اجتماعی آفریده شدیم و انسان یک موجود اجتماعی هست، برای

همین تنها زندگی کردن خیلی سخته و شدنی نیست و آدم خیلی سخت می‌تونه تنها زندگی کنه». (مادر دختری ۵ سال و ۱۰ ماهه) مادر دیگری اظهار نمود «صداقت هم برام خیلی مهمه و از اولین اصول زندگی‌مه و برام مهمه که بچه‌ام هم این جور باشه. دروغ‌گویی از نظر جامعه پسندیده نیست و مورد قبول اجتماع نیست و این کسایی که دروغ می‌گن در جامعه طرد شده‌اند». (مادر پسری ۴ سال و ۷ ماهه) طبق یافته‌های فوق می‌توان نتیجه گرفت داشتن برخی از ارزش‌ها، به‌واسطه اینکه موجب ارزیابی مثبت فرد و جذب دیگران می‌شود نزد مادران اهمیت دارد.

**آرامش.** براساس یافته‌های پژوهش، آرامش فرزند برای مادر از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و مادر تلاش می‌کند که فرزندش با تجهیز شدن به ارزش‌های گوناگون بتواند آرامش را تجربه نماید. اظهارات زیر نشان از تأکید مادران بر آرامش دارد. در این زمینه مادری گفت: «آرامشش برام خیلی مهمه... معیارم از اون آرامشه عدم اضطرابه یعنی نگرانی و اضطراب در درونش نباشه». (مادر دختری ۵ سال و ۱۰ ماهه) مادر دیگری بیان نمود «من اصلاً صبور نیستم و اذیت می‌شوم. دوست دارم پسر صبور باشه چون آرامش ایجاد می‌کنه صبوری. اگه صبور نباشه، اذیت‌هایی که من شدم اونم در زندگیش می‌شه». (مادر پسری ۴ سال و ۷ ماهه)

### بحث و نتیجه‌گیری

براساس اطلاعات به‌دست آمده از مصاحبه‌های انجام‌شده با مادران شرکت‌کننده در پژوهش حاضر، به‌نظر می‌رسد تجربه مادران در ارتباط با ارزش‌هایی که در نظر دارند به فرزندان‌شان منتقل نمایند شامل ۲۵ ارزش در قالب ۵ مضمون است. این مضامین عبارت‌اند از: مقبول بودن در نظر دیگران، داشتن ارزش‌های انسانی، قائل به جایگاه خاص برای والدین بودن، داشتن گرایش‌های مذهبی و اهمیت دادن به ارزش‌های فرهنگی. به‌نظر می‌رسد از نگاه مادران، این مجموعه از ارزش‌ها به این علت اهمیت دارند که باعث ارزیابی مثبت کودک توسط دیگران شده و در نتیجه باعث می‌شود که کودک از نظر اجتماعی تأیید شده و در نهایت تنها نماند. زیرا از نگاه مادران شرکت‌کننده در این پژوهش، داشتن این ارزش‌ها کارکردی مبنی بر عدم طرد کودک از جانب دیگران دارد. به‌علاوه به‌نظر می‌رسد اگر کودک در زندگی‌اش به این مجموعه از ارزش‌ها تجهیز باشد در نهایت آرامش را در زندگی تجربه خواهد نمود.

به نظر می‌رسد عوامل فرهنگی، مذهبی و تاریخی بر تأکید شرکت‌کنندگان در پژوهش بر این مجموعه از ارزش‌ها تأثیر دارد. ایران کشوری است که تا حدودی فرهنگ جمع‌گرا دارد. در کشورهای جمع‌گرا بر خانواده شامل والدین، خواهر برادرها، پدر بزرگ مادر بزرگ‌ها، عمه‌ها، عموها و دیگران تأکید می‌شود. در این جوامع خانواده به شکل گسترده وجود دارد و فرد را از سختی‌ها محافظت می‌کند. در چنین جوامعی، منافع گروه بر منافع فرد برتری دارد. فرهنگ جمع‌گرا در برابر فرهنگ فردگرا قرار دارد که منافع شخصی تا حدود زیادی بر منافع جمعی برتری دارد. البته تمامی کشورها حتی ایران، تا حدی شاخص فردگرایی را نیز دارند که این مسئله در جوامع جمع‌گرا، پایین است. (هافستد<sup>۱</sup>، ۱۳۸۸: ۸۳-۷۸) با توجه به برتری فرهنگ جمع‌گرا بر فردگرا در ایران، دور از ذهن نیست که در ایران روابط داشتن با دیگران، اهمیت زیادی داشته باشد و تأکید مادران شرکت‌کننده در پژوهش بر ارزش‌هایی که منجر به تنها نماندن فرزند می‌شود می‌تواند تا حدی از فرهنگ جمع‌گرای ایران نشئت بگیرد. همچنین ایران کشوری اسلامی است. برخی از ارزش‌ها مانند ارزش‌های انسانی و مذهبی می‌تواند از آموزه‌های دین اسلام نشئت گرفته باشد که مادران، آنها را در تربیت فرزند خود حائز اهمیت می‌دانند. به علاوه بررسی‌های انجام‌شده در فرهنگ ایرانی نیز حاکی از این است که میزانی از دل‌نگرانی به صورت مزمن بر ذهن و فکر ایرانیان سایه انداخته است که این نگرانی به علت شرایط تاریخی، جغرافیایی و بی‌ثباتی‌هایی است که در این کشور در طول تاریخ تجربه شده است. (ثریا، ۱۳۸۸: ۱۲۶-۱۲۳) به نظر می‌رسد این نگرانی جاری در اذهان ایرانیان منجر به تأکید این مادران بر برخی از ارزش‌ها در تربیت فرزند شده تا وی بتواند زندگی توأم با آرامشی را تجربه نماید.

بر اساس تحلیل گفته‌های مادران می‌توان نتیجه گرفت که مادران شرکت‌کننده در پژوهش در پی پرورش ۲۵ نوع ارزش در قالب ۵ مضمون، در فرزندان خود هستند که این ارزش‌ها بر جنبه‌های اجتماعی، انسانی، فرهنگی، مذهبی و خانوادگی اشاره دارد. به نظر می‌رسد این ارزش‌ها به علت کارکردشان در زندگی فرزند، نزد مادر از اهمیت بسیاری برخوردار هستند. بر اساس تحلیل اطلاعات به دست آمده، ارزش‌های مذکور باعث تنها نماندن کودک در زندگی و نیز احساس آرامش وی خواهد شد و تمامی ارزش‌ها و پیامدهای آن از بافت فرهنگی، مذهبی و شرایط تاریخی ایران نشئت گرفته است. بر اساس نتایج به دست آمده از مصاحبه با مادران دارای کودکان ۳ تا ۵ ساله، ارزش‌های



مهم فرزندپروری از نظر شرکت‌کنندگان در پژوهش شامل ۵ مضمون است که این مضامین عبارت‌اند از: مقبول بودن در نظر دیگران، داشتن ارزش‌های انسانی، قائل به جایگاه خاص برای والدین بودن، داشتن گرایش‌های مذهبی و اهمیت دادن به ارزش‌های فرهنگی. نزد مادران شرکت‌کننده در این پژوهش مقبول و مورد پذیرش بودن فرزند از سوی دیگران بسیار اهمیت دارد، در نتیجه برای آنها مهم است که فرزندشان ویژگی‌هایی را دارا باشد که باعث پذیرفته شدن وی در جمع گردد. برای آنها مهم است که فرزندان مهربان، همدل، محبوب، گرم و اجتماعی، مؤدب و احترام‌گذار، خوش‌صحت و خوش‌برخورد، سازگار با همسالان و ملاحظه‌کار داشته باشند تا مقبول و مورد پذیرش باشند. نتایج پژوهش حاضر در زمینه ادب، اجتماعی بودن، همدلی، ملاحظه‌کار بودن و احترام‌گذاری با نتایج پژوهش ونگ و تامیس - لموندا<sup>۱</sup> (۲۰۰۳: ۶۳۳-۶۳۲)، انجام‌شده با روش کیفی و کمی بر روی گروه نمونه شامل مادران اهل تایوان<sup>۲</sup> و آمریکا<sup>۳</sup> ساکن در کشورهای خود که دارای فرزندان ۳ تا ۴ ساله بودند همخوانی دارد. در این پژوهش، هر دو گروه از مادران، بر ویژگی‌های ذکر شده اشاره نمودند، اما مادران آمریکایی بیشتر از مادران تایوانی بر ملاحظه‌کار بودن، همدلی روابط گرم و دوستانه با دیگران تأکید داشتند. نتایج پژوهش حاضر در زمینه مهربانی، اجتماعی بودن، ادب و احترام با نتایج پژوهش تالویست و آتونن (۲۰۰۷: ۱۳۹)، انجام‌شده با روش کمی با گروه نمونه شامل والدین استونیایی و فنلاندی که دارای فرزند ۳ تا ۷ ساله بودند، همخوانی دارد. در پژوهش تالویست و همکاران، هر دو گروه از والدین بر مهربانی و اجتماعی بودن تأکید نمودند، اما والدین استونیایی تأکید بیشتری بر ادب و احترام نسبت به والدین فنلاندی داشتند. نتایج پژوهش حاضر در زمینه مهربانی و ملاحظه‌کاری نیز با نتایج پژوهش چیه و چیرکو<sup>۴</sup> (۲۰۰۸: ۴۱۵)، با گروه نمونه شامل مادر اروپایی - کانادایی<sup>۵</sup> و بومی کانادا ساکن در کانادا که فرزندان پیش‌دبستانی داشتند و با استفاده از روش کیفی انجام شد، همخوانی دارد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که با وجود تأکید هر دو گروه از مادران بر مهربانی، ادب و ملاحظه‌کار بودن، مادران اروپایی - کانادایی بیشتر از مادران بومی کانادا، بر این ویژگی‌ها تأکید داشتند.

1. Wang & Tamis-Lemonda
2. Thai
3. American
4. Chirkov
5. Canadian-European
6. Aboriginals in Canada

همسو با نتایج پژوهش های مشابه در دیگر کشورها، به نظر می رسد مهربانی، همدلی، ملاحظه کاری، ادب و احترام گذاری و اجتماعی بودن فرزند از نظر مادران شرکت کننده در این پژوهش نیز حائز اهمیت است که این مسئله می تواند حکایت از جهان شمول بودن این ارزش ها داشته باشد. می توان اظهار داشت برخی ارزش ها در اکثر فرهنگ ها مشترک بوده و برخی ارزش ها، از فرهنگی به فرهنگ دیگر با یکدیگر تفاوت دارند. (ریزنر و لین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷: ۷) اما مصاحبه شوندگان در این پژوهش علاوه بر اشاره نمودن به تعدادی ارزش که در دیگر فرهنگ ها نیز مورد تأکیدند، به برخی ارزش ها مانند خوش صحبت و خوش برخورد بودن، سازش داشتن با همسالان و توان مذاکره داشتن اشاره نمودند که در پژوهش های ذکر شده به آن اشاره ای نشده است. در زمینه علت اهمیت خوش رو و خوش برخورد بودن برای مادران، می توان عنوان نمود که احتمالاً این ویژگی باعث می شود دیگران، فرزندشان را مثبت ارزیابی کرده و بازخورد مثبت بیشتری نسبت به او داشته باشند و در ضمن خود مادر نیز چنین صفتی را در فرزند خود دوست داشته و لذت می برد. در همین زمینه یکی از مادران چنین بیان نمود که «خوش رویی برام خیلی مهمه. به جز ارزش هایی که تا الان شمردم، خوش رو بودن هم خیلی برام مهمه چون فکر می کنم که فرد خوش رو، اطرافیان رو جذب می کنه. دوست دارم که مهربون و خوش رو و خوش برخورد باشه». (مادر کودکی ۵ سال و ۱۰ ماهه) در مورد اهمیت توان مذاکره داشتن برای مصاحبه شوندگان، می توان این احتمال را مطرح نمود که اگر فرزندشان این گونه باشد، مادر کمتر با او دچار چالش خواهد شد و این صفت در آینده نیز در تعامل سازنده با اطرافیان به وی کمک خواهد کرد. در پژوهش های مشابهی که پژوهشگر بررسی نموده است بر اهمیت روابط اجتماعی به طور کلی تأکید شده است. در نتیجه احتمال دارد ارتباط با همسالان که در این پژوهش به طور خاص به آن پرداخته شده است، در آن مطالعات تحت عنوان کلی روابط اجتماعی مطرح شده باشد. برای نمونه احتمالاً مقوله ارتباط<sup>۲</sup> در پژوهش های تالویست و آتونن (۲۰۰۷: ۱۴۰-۱۳۹) و یا مقوله گرم و دوستانه<sup>۳</sup> در بررسی های پارک و ون (۲۰۰۹: ۶۴)، انجام شده با روش کیفی و گروه نمونه شامل ۲۰ مادر کره ای، دارای فرزندانی در مقطع پیش دبستان، به نوعی به تمام ابعاد ارتباطات و حتی بعد رابطه با همسالان اشاره دارد. زیرا در پژوهش های ذکر شده به مقوله ارتباط، به طور

1. Reasoner & Lane
2. Connectedness
3. Friendly and Sociable

کلی اشاره شده است. از سوی دیگر احتمال دارد مطرح شدن این مطلب به‌طور خاص در این پژوهش، نشانگر اهمیت رابطه نه‌تنها از جنبه روابط خانوادگی بلکه از جهت روابط برون‌خانوادگی مانند ارتباط با همسالان نزد مادران شرکت‌کننده در پژوهش حاضر باشد. ارزش‌های انسانی از دیگر مواردی بود که مادران شرکت‌کننده، از آن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارزش‌های فرزندپروری یاد کردند. در بعد ارزش‌های انسانی، تحلیل داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که صبوری، گذشت و بخشش، صداقت، خودخواه نبودن، قناعت داشتن، عدم اهمیت به ظاهر و مادیات، عدالت و دست و دل باز بودن از ارزش‌های مورد تأکید این مادران است. مصاحبه‌شوندگان، از فردی که این ویژگی‌ها را داشته باشد، به‌عنوان انسان خوب و درست‌کار نام می‌برند. پژوهشگر، این مجموعه از ارزش‌ها را که برای مادران تعریف‌کننده انسان خوب و درست‌کار است تحت عنوان ارزش‌های انسانی طبقه‌بندی نموده است. نتیجه پژوهش حاضر در زمینه صداقت، بخشش و گذشت، دست و دل‌بازی و صبوری با یافته‌های پژوهش ونگ و تامیس - لموندا (۲۰۰۳) همخوانی دارد. در پژوهش ونگ و تامیس - لموندا، هر دو گروه از مادران بر صداقت و صبوری تأکید داشتند، اما مادران آمریکایی بیشتر از مادران تایلندی بر گذشت و بخشش و همچنین دست و دل‌بازی تأکید نمودند. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر در زمینه صداقت و بخشش با یافته‌های پژوهش‌های تالویست و آتونن (۲۰۰۷: ۱۳۹) همخوانی دارد. در این پژوهش، هر دو گروه از مادران فنلاندی و استونیایی بر صداقت و بخشش تأکید نمودند. در مطالعه پارک و ون (۲۰۰۹) نیز مادران کره‌ای به صداقت به‌عنوان یکی از ویژگی‌های مطلوب از نگاه ایشان اشاره نمودند، اما این مادران بر دست و دل‌بازی، صبوری و یا بخشش و گذشت تأکیدی ننمودند. ریزنر و لین (۲۰۰۷: ۷)، می‌گویند برخی ارزش‌ها مانند صداقت، وفاداری به خانواده و احترام به دیگران در اکثر فرهنگ‌ها مشترک است. شاید بتوان مطرح نمود که ارزش‌های انسانی تا حدی جهان‌شمول بوده و ارزش‌های اخلاقی مشترک در اکثر جوامع، به حساب می‌آیند و در نتیجه در اغلب جوامع فرهنگی بر بسیاری از آنها تأکید می‌شود. اما برخی از ارزش‌ها در جوامع فرهنگی گوناگون با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. برای نمونه در پژوهش حاضر، مادران شرکت‌کننده در پژوهش به قناعت، عدم اهمیت به ظاهر و مادیات و عدالت اشاره نموده‌اند، لیکن در پژوهش‌های مرتبطی که محقق بررسی نموده است یافته‌های مشابهی به‌دست نیامد. می‌توان این مسئله را براساس تفاوت‌های فرهنگی میان ایران و دیگر کشورها تبیین نمود. برای نمونه یکی

از ویژگی‌هایی که از دیرباز در ایران مورد تأیید و اهمیت بوده، دوری‌گزینی از مادیات و ظواهر بوده است که یکی از ویژگی‌های افرادی تأثیرگذار در میان ایرانیان، مانند حضرت علی<sup>(ع)</sup> و همچنین یک ویژگی مورد تأیید در کل جامعه فرهنگی ایران، تحت عنوان درویش‌مآبی بوده است. (ثریا، ۱۳۸۸: ۷۱) در نتیجه شاید بتوان عنوان نمود علت تأکید شرکت‌کنندگان در این پژوهش بر برخی از ویژگی‌های متفاوت با دیگر فرهنگ‌ها، ریشه فرهنگی و اسلامی آن ارزش است. در ضمن احتمال دارد علت تأکید این مادران بر ارزش‌های انسانی این باشد که داشتن ارزش‌های مذکور باعث می‌شود که فرزندان از جانب دیگران تأیید شده و در نتیجه بتواند روابط خوبی با دیگران داشته باشد.

جایگاه خاص برای والدین قائل بودن، دیگر مضمون مورد تأکید نزد مادران شرکت‌کننده در پژوهش است که شامل احترام، فرمان‌برداری و حرف‌شنوی از والدین، شباهت داشتن به ایشان، درک کردن و علاقه و ارزش قائل بودن برای والدین می‌باشد. در پژوهش تالویست و آتونن (۲۰۰۷: ۱۳۹)، مادران اهل استونی و در پژوهش ونگ و تامیس - لموندا (۲۰۰۳)، هر دو گروه از مادران آمریکایی و تایوانی بر اطاعت از والدین و احترام به ایشان تأکید نمودند. نتایج پژوهش حاضر در زمینه اهمیت خانواده با پژوهش سوزو<sup>۱</sup> (۲۰۰۷: ۵۱۴)، با گروه نمونه شامل والدینی از ۴ گروه قومیتی در آمریکا که دارای فرزندان کمتر از ۶ سال بودند و با استفاده از روش کمی انجام شد، همخوانی دارد. در این مطالعه تمامی گروه‌های اقلیت قومی، شامل والدین چینی - آمریکایی<sup>۲</sup>، آفریقایی - آمریکایی<sup>۳</sup> و مکزیکی - آمریکایی<sup>۴</sup>، بیشتر از گروه اکثریت والدین یعنی والدین اروپایی - آمریکایی<sup>۵</sup> بر ارتباط نزدیک و وفاداری نسبت به خانواده تأکید نمودند که نشان از اهمیت خانواده نزد ایشان دارد. به نظر می‌رسد در بسیاری از فرهنگ‌ها والدین جایگاه خاصی داشته و از فرزندان انتظار می‌رود نسبت به ایشان شیوه رفتاری خاصی را داشته باشند. اما در پژوهش حاضر، درک والدین و علاقه و ارزش قائل بودن برای آنها به‌طور واضح و صریح از جانب شرکت‌کنندگان مطرح گشته که در پژوهش‌های ذکر شده به آنها اشاره‌ای نشده است. یکی از تبیین‌ها در زمینه تفاوت ارزش‌های ذکر شده، می‌تواند کنکاش بیشتر پژوهشگر در انجام مصاحبه‌ها نسبت به دیگر پژوهش‌ها باشد. بدین معنی که پژوهشگر یک

1. Suizzo
2. Chinese-American
3. African-American
4. Mexican-American
5. European-American

مفهوم را در قالب سؤالات متعدد، مورد پرسش قرار داده است تا تمام موارد مبهم شفاف گردیده و تمام نکاتی که برای مادران حائز اهمیت است از جانب ایشان مطرح گردد. علت احتمالی دیگر، می‌تواند اهمیت زیاد خانواده در ایران و تأکید آموزه‌های مذهبی بر لزوم احترام نسبت به بزرگ‌ترها، خصوصاً والدین و اطاعت از آنها باشد. (پیرمرادی، ۱۳۸۳: ۱۶۷-۱۷۹) همچنین مادران شرکت‌کننده در پژوهش حاضر، بر شباهت داشتن فرزندان‌شان با ایشان در زمینه نقاط قوت خود نیز تأکید داشتند که چنین یافته‌ای در دیگر پژوهش‌ها توسط محقق یافت نشد. سؤالات پیگیری در مورد اهمیت این زیر مقوله برای مادران مشخص نمود که احتمالاً علت اهمیت این مسئله برای مادران، این اعتقاد است که اگر فرزند، در زمینه‌هایی که والدین برای خود مفید دانسته‌اند شبیه به آنها باشد کمتر در زندگی دچار مشکل شده و به عبارتی زندگی راحت‌تری خواهد داشت. نمونه زیر از گفته‌های یکی از مادران است «دوست دارم اگه کسی اشتباهی کرد بتونه اینو با خودش حل و فصل کنه و ببخشه. چون می‌دونم این کار خیلی لذت بخشه. در واقع اون چیزایی که خودم تجربه می‌کنم تو زندگیم و می‌بینم توی زندگیم که خیلی خوبه برام و آروم می‌کنه رو دوست دارم دخترم هم داشته باشه». (مادر دختری ۵ ساله)

دیگر مضمون مطرح‌شده در این پژوهش، داشتن گرایش‌های مذهبی است که ایمان و اعتقاد به خدا و انجام فرائض و رفتارهای مذهبی از زیرمضمون‌های آن به‌شمار می‌آید. برای اکثریت مادران شرکت‌کننده در پژوهش اهمیت دارد که کودک‌شان به خدا ایمان داشته باشد، اما تعداد کمتری از مادران علاوه بر ایمان به خدا بر انجام فرائض مذهبی مانند نماز خواندن و دعا کردن نیز تأکید کرده‌اند. با توجه به نتایج این پژوهش به‌نظر می‌رسد ایمان به خدا برای مادران نسبت به انجام رفتارهای مذهبی، از اهمیت بیشتری برخوردار است. به‌بیان دیگر، ظاهراً این مادران بر التزام فرزندان‌شان به بعد اعتقادی دین بیش از پرداختن به مناسک دینی اصرار دارند. با بررسی پژوهش‌های دیگر نیز مشخص است که در برخی از فرهنگ‌ها نیز به‌نوعی بر اهمیت باور و عبادات مذهبی به‌عنوان یک ارزش در پرورش فرزند اشاره شده است. برای نمونه در پژوهش سوزو (۲۰۰۷: ۵۱۴)، هر سه گروه اقلیت قومی ساکن در آمریکا نسبت به گروه اکثریت اروپایی - آمریکایی بر مذهب و ایمان تأکید بیشتری نمودند. در مطالعه گرف و همکاران (۲۰۱۴: ۱۳۲۲)، شامل ۱۲۰ نفر از والدین اهل مغولستان مهاجر به آلمان، والدین اهل مغولستان ساکن

در مغولستان و والدین آلمانی<sup>۱</sup> که با استفاده از روش کمی انجام شده است، نیز بر اهمیت گرایش مذهبی تأکید شده است. در این پژوهش از نظر هر دو گروه از والدین اهل مغولستان، مذهبی بودن حائز اهمیت نبود، در حالی که از منظر والدین آلمانی مذهبی بودن از اهمیت متوسطی برخوردار بود. به نظر می‌رسد از نگاه والدین، داشتن گرایش‌های مذهبی در بسیاری از جوامع فرهنگی مورد تأکید است. مطالعات انجام‌شده در ایران نیز نشان می‌دهد مردم ایران مردمی دیندار بوده و حتی دینداری در میان مردم ایران نسبت به بسیاری از کشورها مانند فرانسه، ایتالیا، آمریکا، مکزیک و آفریقای جنوبی بسیار زیاد است. (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹: ۱۶۹) در نتیجه تأکید مادران شرکت‌کننده در پژوهش بر ایمان و اعتقاد به خدا در فرزندان‌شان دور از ذهن نیست. همان‌طور که گفته شد یکی از نکات حائز اهمیت در این پژوهش، تأکید اکثریت مادران بر ایمان و اعتقاد به خدا به‌طور متعادل است. مسئله مهم دیگر این است که تنها برخی از مادران بر به‌جا آوردن فرائض دینی نیز تأکید داشتند و به‌نظر می‌رسد جنبه اعتقادی مذهب از نمود رفتاری آن برای مادران اهمیت بیشتری دارد. مادران علت تأکیدشان بر ایمان به خدا را، نقش ایمان در احساس آرامش و نقش پیشگیری‌کننده آن از انحراف مطرح نمودند. در ادامه نمونه‌ای از اظهارات مادران در این زمینه آمده است «دوست دارم وقتی مشکلی برایش پیش می‌آید با دو رکعت نماز نمی‌دونم با چه دعایی به حمد و سوره‌های بخونه آروم بشه... دوست دارم پسرم، یک زمانی که ما نبودیم، هیچ‌وقت سمت فرد دیگه‌ای نره که بخواد درد و دل کنه. فقط با خدای خودش درد و دل کنه و آروم بشه». (مادر پسری ۴ سال و ۹ ماهه) «دوست دارم ایمان داشته باشد. کسایی که به مقدار اعتقاد دارند یا به وجدانی دارند دنبال کارهای خلاف نمی‌روند. اما کسایی که خدا را قبول ندارند خیلی راحت طرف کار خلاف می‌روند یا اون کار رو انجام می‌دهند». (مادر پسری ۴ سال و ۸ ماهه) این یافته با یافته‌های پژوهش سیدموسوی و همکاران (۱۳۸۹: ۱۵۶)، در زمینه علت اهمیت ایمان در زندگی فرزندان، همخوانی دارد. از نگاه شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، مهم ایمان به خداست که نقش آرامش‌بخش و پیشگیری‌کننده از انحراف در فرزندان را دارد، اما اغلب مادران بر انجام فرائض دینی تأکیدی نداشتند و انجام فرائض مذهبی را حیطه‌ای می‌دانستند که به انتخاب خود فرزندشان در آینده برمی‌گردد. شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که علت اصلی اهمیت دادن به اعتقادات دینی در این شرکت‌کنندگان، در کنار

ارزش اولیه دینداری منتفع شدن کودک از منافع ثانویه دینداری مانند احساس آرامش و پیشگیری از انحراف باشد.

آخرین مضمون در این پژوهش، ارزش‌های فرهنگی بود که مادران شرکت‌کننده در پژوهش سعی دارند آن را در فرزندشان ایجاد کنند. این مضمون شامل احترام گذاشتن به افراد بزرگ‌تر است. در پژوهش‌های چیه و چیرکو (۲۰۰۸: ۴۱۶)، سوزو (۲۰۰۷: ۵۱۴) و میتر و جورج<sup>۱</sup> (۲۰۰۳: ۴۲۰)، نیز بر آگاهی نسبت به ارزش‌های فرهنگی و حفظ فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی تأکید شده است. با بررسی پژوهش‌های انجام‌شده به‌نظر می‌رسد در این زمینه تفاوت‌های فرهنگی وجود دارد. برای نمونه در پژوهش سوزو (۲۰۰۷)، والدین اقلیت قومی در آمریکا، برای احترام به افراد مسن اهمیت بیشتری نسبت به والدین اکثریت قائل بودند. در پژوهش چیه و همکاران نیز گروه مادران بومی اهل کانادا بر ارزش‌های فرهنگی‌شان تأکید بیشتری نسبت به مادران اروپایی - کانادایی داشتند. در مطالعه میتر و جورج (۲۰۰۳: ۴۲۰)، نیز با گروه نمونه شامل ۱۸ مادر مهاجر آسیایی کانادایی که کودکان زیر ۱۲ سال داشتند و با روش کیفی انجام شد، یکی از ارزش‌های بسیارمهم از نگاه مادران، احترام به افراد مسن بود. در تمامی جوامع و فرهنگ‌ها، مردم سعی در حفظ فرهنگ خود دارند. والدین سعی می‌کنند فرهنگ‌شان را به فرزندانشان منتقل می‌کنند. این امر تا حدی از طریق انجام رفتارهای فرزندپروری والدین که تحت تأثیر فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی والدین است روی می‌دهد. انتقال اطلاعات فرهنگی به نسل‌های بعدی نیز در تداوم فرهنگ بین نسل‌ها نقش دارند. (روبین و چانگ، ۲۰۰۶: ۲۰) می‌توان عنوان نمود علت تأکید مادران شرکت‌کننده در پژوهش حاضر بر احترام به بزرگ‌تر و افراد مسن این مسئله است که رعایت احترام به بزرگ‌ترها و افراد سالمند یکی از ارزش‌های مهم فرهنگی ایران است که والدین از طریق نحوه گفتار و رفتارشان سعی می‌کنند آن را به‌نوعی به فرزندانشان آموزش دهند. (پیرمرادی، ۱۳۸۳: ۱۶۷-۱۷۹) و آزاد ارمکی، (۱۳۹۳: ۱۵۷-۱۵۵)

همان‌طور که ذکر شد، وقتی در جریان مصاحبه از مادران درباره علت اهمیت ارزش‌های بیان شده توسط آنها سؤال می‌شد، پاسخ‌های آنها حول دو محور «تنها نماندن» و «آرامش در زندگی» دور می‌زد. به این معنی که به‌نظر می‌رسد این مادران معتقدند اگر فرزندانشان دارای ارزش‌های مورد نظر باشند می‌توانند در زندگی‌شان آرامش را تجربه کنند و تنها نمانند.

به نظر می‌رسد یکی از نگرانی‌هایی که مادران شرکت‌کننده در پژوهش حاضر دارند این است که فرزندشان در آینده تنها بماند، در نتیجه سعی می‌کنند فرزندشان ویژگی‌هایی را داشته باشد که بتواند روابط اجتماعی پایداری برقرار کند و ویژگی‌هایی را که باعث پراکنده شدن افراد از اطراف او می‌گردد نداشته باشد. شاید این مسئله مربوط به تک فرزند بودن خانواده‌ها باشد. کما اینکه در این پژوهش ۱۳ نفر از مادران دارای تنها یک فرزند بودند که این روند در حال حاضر در ایران به نظر می‌رسد تا حدی فراگیر است. در ضمن می‌توان به این مسئله نیز اشاره کرد که امروزه در مقایسه با گذشته گرچه هنوز خانواده مهم است اما اندازه خانواده‌ها کوچک‌تر شده است. (آزاد ارمکی، ۲۰۰۵: ۴۶۷-۴۷۶) والدین در مقایسه کودکی خود با فرزندان‌شان، به این نکته دقت دارند که روابط در دنیای امروز به‌گسترده‌گی گذشته نیست و لذا نگران تنها ماندن فرزندان‌شان اند زیرا ارتباطات در ایران کارکردهای زیادی دارد که یکی از مهم‌ترین آنها، کارکرد حمایتی آن است (ثریا، ۱۳۸۸: ۱۴۱-۱۳۷) و اگر ارتباطات کودک کم باشد یعنی حمایت اجتماعی کمتری دریافت خواهد کرد و این مسئله موجب نگرانی مادران است. به نظر می‌رسد با توجه به تعداد کمتر فرزندان خانواده نسبت به گذشته و ارتباطاتی که بیشتر متمرکز بر خانواده هسته‌ای است، کودکان حمایت اجتماعی فراوانی را که در گذشته از جانب خواهر، برادر و یا خانواده نزدیک مانند عمو و خاله دریافت می‌کردند، امروزه کمتر دریافت می‌کنند و این مادران نگران زمانی هستند که خود در قید حیات نبوده و در نهایت فرزندشان تنها بماند. لذا در پی آن‌اند که کودکان‌شان را به‌گونه‌ای بار آورند که مقبول و دارای ویژگی‌هایی باشد که تنها نمانده و حمایت دیگران را نیز در آینده دریافت کند تا شاید جایگزینی برای روابط خانوادگی نزدیک در گذشته باشد.

در زمینه تأکیدی که شرکت‌کنندگان در پژوهش بر احساس آرامش فرزندشان دارند، می‌توان گفت که جامعه ایران، در طول تاریخ بی‌ثباتی‌های زیادی را به‌شکل هجوم بیگانگانی چون اسکندر، قوم مغول، اعراب و یا حتی جنگ‌های جهانی تجربه کرده است که هر کدام از آنها جامعه را دستخوش دگرگونی‌ها، صدمات و آسیب‌هایی ساخته و در نهایت تغییرات حاصله باعث عدم آرامش و نگرانی در ایرانیان شده است (ثریا، ۱۳۸۸: ۱۲۰-۱۱۷) و به نظر می‌رسد احساس عدم آرامش تا حدودی در ناهشیار جمعی ایرانیان رخنه کرده است. امروزه نیز در شرایط اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی کشور شاهد بی‌ثباتی‌هایی در ابعاد گوناگون هستیم. بررسی‌های انجام‌شده در فرهنگ



ایرانی نیز حاکی از این است که دل‌نگرانی به‌صورت مزمن بر ذهن و فکر ایرانیان سایه انداخته است. این اضطراب و دل‌نگرانی جاری در اذهان ایرانیان، ناشی از وضعیت خاص تاریخی و جغرافیایی ایران و بی‌ثباتی‌های رایج در آن و احساس عدم اطمینان از آینده و برنامه‌ریزی‌های انجام شده برای زندگی است (ثریا، ۱۳۸۸: ۱۲۶-۱۲۳)، لذا جای تعجب ندارد که مادران شرکت‌کننده در این مطالعه بر آرامش، تأکید زیادی داشته و یکی از نگرانی‌هاشان این باشد که کودکان‌شان در آینده دچار آسیب و صدمه‌ای نگردد. به‌نظر می‌رسد این تأکید بر آرامش، ریشه‌ای دیرینه و عمیق داشته و این مادران احتمالاً فکر می‌کنند که اگر کودکان‌شان را به‌گونه‌ای بار آورند که مقبول، دارای صفات انسانی، پایبند به ارزش‌های فرهنگی جامعه‌اش و باایمان باشد، در آینده آرامش بیشتری خواهد داشت. با جمع‌بندی مطالب عنوان‌شده شاید بتوان مطرح نمود ارزش‌هایی که مادران در این پژوهش به آن اشاره نمودند تا حدودی مشابه و تا حدی متفاوت با ارزش‌های بیان‌شده در پژوهش‌های انجام‌شده در دیگر فرهنگ‌ها است. همچنین براساس نتایج به‌دست آمده از مصاحبه با مادران شرکت‌کننده در این پژوهش می‌توان اظهار نمود که داشتن روابط اجتماعی نزدیک و همچنین آرامش از خواسته‌های بسیارمهم این مادران برای فرزندان‌شان است. پژوهش حاضر مقدمه کوچکی است بر موضوع وسیع ویژگی‌های مطلوبی که والدین در صدد پرورش آن در فرزندان‌شان هستند. یقیناً شناخت دقیق‌تر این مسئله مستلزم پژوهش‌های بیشتر در این حیطه است. در پژوهش حاضر فقط به مسئله مذکور از منظر مادرانی که کودکانی ۳ تا ۵ سال داشته و در برخی از مناطق تهران ساکن بودند، پرداخته شده است. برای شناخت دقیق و عمیق ارزش‌های فرزندپروری در ایران لازم است این حیطه از پژوهش از نقطه‌نظر پدران و مادران، در دیگر گروه‌های سنی و در قومیت‌های مختلف نیز تکرار و مقایسه گردد.

از آنجا که ارزش‌های فرزندپروری، بر رفتار والدین نسبت به فرزندان و نیز بر رشد کودک، اثرگذار است (روبین و چانگ، ۲۰۰۶: ۲۳)، در نتیجه یافته‌های این پژوهش و پژوهش‌های مشابه آتی می‌تواند تا حدودی به درک علت رفتارهای مادران در قبال فرزندان‌شان کمک نموده و همچنین درمانگران حوزه کودک می‌توانند از نتایج این پژوهش‌ها جهت طراحی راهنمای فرزندپروری و آموزش والدین استفاده نمایند.

## منابع

۱. میری‌نژاد، علی؛ فخرالسادات قریشی‌راد و غلامحسین جوانمرد. (۱۳۹۰). مقایسه سبک‌های فرزندپروری و سلامت روان والدین افراد اقدام‌کننده به خودکشی با والدین افراد عادی. *فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده*. سال ۱. شماره ۳.
۲. اسکویی، سیده‌فاطمه و حمید پیروی. (۱۳۸۴). *پژوهش کیفی در پرستاری*. تهران: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی ایران.
۳. آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی ایران: جامعه‌شناسی مناسبات بین نسلی*. تهران: انتشارات علم.
۱. آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۹۳). *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۲. بشارت، محمدعلی؛ کورش عزیززی و حمید پورشریفی. (۱۳۹۰). رابطه سبک‌های فرزندپروری با کمال‌گرایی فرزندان در نمونه‌ای از خانواده‌های ایرانی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*. سال ۷ (۲۶).
۳. پیرمادی، سعید. (۱۳۸۳). *روان‌شناسی فرهنگی و روان‌شناسی خانواده ایرانی*. اصفهان: مؤسسه انتشارات همام.
۴. ثریا، سیدمهدی. (۱۳۸۸). *شخصیت در فرهنگ با خطوطی از چهره فرهنگ ایران*. تهران: نشر دانژه.
۵. دبیری، سولماز؛ علی دلاور؛ غلامرضا صرامی و محمدرضا فلسفی‌نژاد. (۱۳۹۱). تدوین مدل روابط سبک‌های فرزندپروری، شخصیت، عزت نفس و شادکامی: الگوی تحلیل مسیر. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*. سال ۸ (۳۰).
۶. سیدموسوی، پریسادات؛ محمدعلی مظاهری و سعید قنبری. (۱۳۸۹). بررسی ادراک مادران ایرانی از ویژگی‌های خوشایند و ناخوشایند مربوط به دلبستگی ایمن و نایمن در کودکان: یک مطالعه فرهنگی درباره دلبستگی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*. سال ۶ (۲۲).
۷. شرودر، کارولین اس و بتی، ان گوردون. (۱۳۹۳). *سنجش و درمان مشکلات دوران کودکی*. مهرداد فیروزبخت. تهران: نشر دانژه.
۸. هافستد، گبرت. (۱۳۸۸). *فرهنگ‌ها و سازمان‌ها: نرم‌افزار ذهن: همکاری‌های میان فرهنگی و اهمیت آن برای بقا*. سیدمحمد اعرابی؛ سیدهاشم هدایتی و مجید محمودی. تهران: علم.

9. Azadarmaki, T. (2005). Families in Iran: The Contemporary Situation. In B. Adams, & J. Trost (Eds.). *Handbook of World Families*. (pp. 467-486). Thousand Oaks, CA: SAGE Publications, Inc.

10. Bornstein, M. H. & L. R. Cote. (Eds.). (2006). *Acculturation and Parent-child Relationships: Measurement and Development*. (pp. 173-196). New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates Publishers.

11. Bornstein, M. H. & C. S. L. Cheah. (2006). The Place of Culture and Parenting in the

- Ecological Contextual Perspective on Developmental Science. In K. H. Rubin & O. B. Chung (Eds.). *Parenting Beliefs, Behaviors and Parent-child Relations: A Cross Cultural Perspective*. New York: Psychology Press.
12. Cheah, C. S. L. & V. Chirkov. (2008). Parents' Personal and Cultural Beliefs Regarding Young Children: A Cross-cultural Study of Aboriginal and Euro-Canadian Mothers. *Journal of Cross-Cultural Psychology*. 39. 402-423.
13. Creswell, J. W. (2007). *Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing Among 5 Approaches*. (2nd ed.). (pp. 50-60). California: Sage Publications, Inc.
14. Edwards, C. P. & W. L. Liu. (2002). Parenting Toddlers. In M. H. Bornstein (Ed.). *Handbook of Parenting: Children and Parenting*. Vol. 1. pp. 45-72. Mahwah, NJ: Erlbaum.
15. Fincham, F. D. & J. H. Hall. (2009). Parenting and the Marital Relationship. In T. Luster & L. Okagaki (Eds.). pp. 205-233. *Parenting: An Ecological Perspective*. New York: Routledge.
16. Graf, F. A.; M. Roder; S. Hein; A. R. Muller. & O. Ganzorig. (2014). Cultural Influences on Socialization Goals and Parenting Behaviors Of Mongolian Parents. *Journal of Cross-Cultural Psychology*. 45. 1317-1327.
17. Harkness, S. & C. M. Super. (2006). Themes and Variations: Parental Ethnotheories in Western Cultures. In K. H. Rubin & O. B. Chung (Eds.). *Parenting Beliefs, Behaviors and Parent-child Relations: A Cross Cultural Perspective*. New York: Psychology Press.
18. Hetherington, E. M. & M. Stanley-Hagan. (2002). Parenting in Divorced Families. In M. H. Bornstein (Ed.). *Handbook of Parenting: Children and Parenting*. Vol. 1. pp. 287-316. Mahwah, NJ: Erlbaum.
19. Holloway, S. D. & A. Nagase. (2014). Child Rearing in Japan. In H. Selin (Ed.). *Parenting Across Cultures: Child Rearing, Motherhood and Fatherhood in non Western Cultures*. New York: Springer Dordrecht Heidelberg.
20. Hossain, Z. (2014). Parental Beliefs and Fathers' and Mothers' Roles in Malaysian Families. In H. Selin (Ed.). *Parenting Across Cultures: Child Rearing, Motherhood and Fatherhood in non Western Cultures*. New York: Springer Dordrecht Heidelberg.
21. Isaac, R.; I. K. Annie & H. R. Prashanth. (2014). Parenting in India. In H. Selin (Ed.). *Parenting Across Cultures: Child Rearing, Motherhood and Fatherhood in non Western Cultures*. New York: Springer Dordrecht Heidelberg.
22. Karraker, K. H. & P. K. Coleman. (2009). The Effects of Child Characteristics on Parenting. In T. Luster & L. Okagaki (Eds.). (pp. 147-176). *Parenting: An Ecological Perspective*. New York: Routledge.
23. Kohn, M. L. (1977). *Class and Conformity: A Study in Values*. (2nd ed.). Chicago: The University of Chicago press.
24. Maiter, S. & U. George. (2003). Understanding Context and Culture in the Parenting Approaches of Immigrant South Asian mothers. *Affilia*. 18 (4). 411-428.
25. Mestechkina, T.; N. Duc Son. & J. Y. Shin. (2014). Parenting in Vietnam. In H. Selin (Ed.). *Parenting Across Cultures: Child Rearing, Motherhood and Fatherhood in non Western Cultures*. New York: Springer Dordrecht Heidelberg.
26. Moazam Zaman, R. (2014). Parenting in Pakistan. In H. Selin (Ed.). *Parenting Across Cultures: Child Rearing, Motherhood and Fatherhood in non Western Cultures*. New York: Springer Dordrecht Heidelberg.
27. Park, J. H. & Y. I. Kwon. (2009). Parental Goals and Parenting Practices of Upper-Middle-class Korean Mothers with Preschool Children. *Journal of Early Childhood Research*. 7. 58-75.
28. Parke, R. D.; J. Dennis; M. L. Flyr; K. L. Morris; M. S. Leidy & T. J. Schofield. (2009). Fathers: Cultural and Ecological Perspectives. In T. Luster & L. Okagaki (Eds.). pp. 103-144.

- Parenting: An Ecological Perspective*. New York: Routledge.
29. Ramaekers, S. & J. Suissa. (2012). *The Claims of Parenting: Reasons, Responsibility and Society*. New York: Springer.
30. Reasoner, R. W. & M. L. Lane. (2007). *Parenting with Purpose: Five Keys to Raising Children with Values and Vision*. CA: Personhood Press.
31. Rubin, K. H. & O. B. Chung. (Eds.). (2006). *Parenting Beliefs, Behaviors, and Parent-child Relations: A Cross Cultural Perspective*. New York: Psychology Press.
32. Sigel, I. E. & A. V. McGillicuddy-De Lisi. (2002). Parental Beliefs are Cognitions: The Dynamic Belief System Model. In M. H. Bornstein (Ed.). *Handbook of Parenting. Status and Social Conditions of Parenting*. Vol. 3. pp. 485-508. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
33. Suizzo, M. A. (2007). Parents' Goals and Values for Children: Dimensions of Independence and Interdependence Across four U.S. Ethnic Groups. *Journal of Cross-Cultural Psychology*. 38. 506-530.
34. Takash, H. & S. Al- Hassan. (2014). Parenting in Jordan. In H. Selin (Ed.). *Parenting Across Cultures: Child Rearing, Motherhood and Fatherhood in non Western Cultures*. New York: Springer Dordrecht Heidelberg.
35. Tudge, J. R. H.; R. S. C. Lopes; C. A. Piccinini; T. M. Sperb; S. Chipenda-Dansokho; A. H. Marin; A. G. Vivian; D. S. Oliveira; B. Frizzo. & L. B. L. Freitas. (2012). Child-rearing Values in Southern Brazil: Mutual Influences of Social Class and Parents' Perceptions of Their Children's Development. *Journal of Family Issues*. 34(10). 1379-1400.
36. Tulviste, T. (2013). Socialization Values of Mothers and Fathers: Does the Child's Age matter?. *TRAMES*. 17. 129-140.
37. Tulviste, T. & M. Ahtonen. (2007). Child-Rearing Values of Estonian and Finnish Mothers and Fathers. *Journal of Cross-Cultural Psychology*. 38. 137-155.
38. Wang, S. & C. S. Tamis-Lemonda. (2003). Do Child-Rearing Values in Taiwan and the United States Reflect Cultural Values of Collectivism and Individualism?. *Journal of Cross-Cultural Psychology*. 34. 629-642.